

هنرهای تجسمی ایران از دریچه تاریخ

«گالری آپادانا» و ورود واژه «گالری» به فرهنگ ایران



علیرضا بخشی استوار

آپادانا آغازی برای هنرهای تجسمی

سال ۱۳۲۴ که ضیاء پور، حمیدی و کاظمی به عنوان نخستین دانشجویان نقاشی دانشگاه هنرهای زیبا فارغ التحصیل شدند هیچ مکانی به جز انجمن‌های فرهنگی خارجی برای نمایش آثار وجود نداشت، و شهرداری و وزارت فرهنگ و هنر هم هیچکدام کمکی برای نمایش آثار دانشجویان نمی کردند و البته محل مشخصی هم برای این کار نداشتند. بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ هم این اتفاق دامن گیر معدود هنرمندانی بود که تلاش می کردند هنرشان را برای عموم علاقمندان به هنر به نمایش در بیاورند. در سال ۱۳۲۸ و با تلاش‌های نخستینی که ضیاء پور برای ایجاد انجمن «خروس جنگی» انجام داد بسیاری از هنرمندان به تکاپو افتادند تا

محلی برای ارائه آثار هنری خود ایجاد کنند و جوادی پور که همراه با حسین کاظمی آتلیه شخصی نقاشی داشتند به همراه هوشنگ آجدادی دوست معمار خود که و کالت هم می کرد تصمیم به تأسیس این گالری گرفتند. جوادی پور در خاطر آتش این گونه به موضوع اشاره می کند: «من با پولی که از کار کردن در بانک بدست می آوردم، کاظمی با پولی که از فروش پرتره‌هایش می گرفت و دوست‌مان با حقوقی که از و کالت بدست می آورد یک جایی را در خیابان شاهزادگان پانچ شمیران نبش خیابان بهار اجاره کردیم. پنج دهنه مغازه بود که ما تیغه‌های مابین مغازه‌ها را برداشتیم و یک سالن بزرگ شد. برای آن‌ارم و پوستر درست کردیم و در سال ۱۳۲۸ ما آپادانا را بنا نمایش تعدادی از کارهای من، کاظمی، اسفندیاری، ویشکایی و ضیاء پور افتتاح کردیم.»

آن‌ها برای این که گالری‌شان بر سر زبان‌ها بیفتد، بسیاری از افراد مشهور در ساحت هنر و البته بسیاری از روشنفکران را برای بازدید از نمایش‌هایشان دعوت می کردند. این حربه تبلیغاتی موسسان گالری البته خیلی غیر متقرب‌های ورق را برای گالری آپادانا و برنامه‌هایش خیلی زود به اجبار رادپور راه پیدا می کند و گزارش عملکردش در کنار خبر ساعت کار کتابخانه ملی و ساعات بازگشایی موزه‌ها پخش می شود و تبدیل به یک خبر روتین در این رسانه پر طرفدار آن روزهای ایران می شود.

آپادانا در آغاز کار هنرمندان را به عضویت می پذیرفت و آثار آنان را با تقبل کلیه هزینه‌ها به نمایش می گذاشت، این هزینه‌ها که شامل صدور کارت‌های دعوت و پذیرایی شب‌گشایش نمایشگاه بود، در پایان از محل فروش آثار هنرمند تسویه می شد و چنانچه هنرمند موفق به

فروش آثار نمی شد این هزینه همچنان برای آپادانا محفوظ می ماند. البته عمر چنین فضایی با همه نوآوری‌ها و خواسته‌های بزرگ موسساتش چندان دوامی نیاورد. آپادانا به مدت یکسال با همین سیاست به کار خود ادامه داد اما فشارهای مالی و عدم حمایت مرکزی چون هنرهای زیبا موجب شد تا در مدت کوتاهی از کار بازماند و پس از یکسال فعالیت کار خود را متوقف کند. جوادی پور در این باره در خاطر آتش اشاره می کند: «کم کم هزینه‌های گالری افزایش پیدا کرد تا جایی که این هزینه‌ها در فاصله کمتر از یکسال بعد از تأسیس آن کفاف خرج و اجاره آن را نمی داد. تصمیم گرفتیم هفته‌ای یک شب‌انهم پنجشنبه‌ها شب‌نشینی داشته باشیم برای اعضای که عضو آپادانا شده‌اند. به آنها بلیت می فروختیم و در ازای آن یک شام سرد و نوشابه به آنها می دادیم، اجرای زنده موسیقی داشتیم و بعد کم کم دوستان ما پای تابلوها می ایستادند و درباره تابلوها توضیح می دادند و این گفتگو تا ساعت ۲ و ۳ نصفه شب ادامه پیدا می کرد. این شب‌نشینی‌ها تا حد زیادی از نظر مادی به ما کمک کرد.»

رسمیت یافتن گالری داری در ایران

این ترفند و یا بهتر راه حل موسسان گالری خیلی زود جواب می گیرد اما ناگهان اتفاق غیر متقرب‌های ورق را برای گالری آپادانا بر می گرداند و روندها دگرگون می کند. جوادی پور درباره این حادثه می گوید: «ما دوستی داشتیم به نام رضا جورجانی که خیلی علاقه‌مند به هنر بود، وی تعداد زیادی مقاله درباره هنر نو ترجمه کرده بود و ماخواست که یک جلسه سخنرانی در آپادانا برای وی ترتیب دهیم. ما سال‌ها برای سخنرانی آماده کردیم و حدود چهارصد نفر از افراد سرشناس و استادان دانشکده هنرمندان را دعوت کردیم. ظهر آن روز ایشان از تریز به تهران آمد و برای سخنرانی آماده شد. پشت میز رفت و صحبتی کرد و مقدمه‌اش این بود که هنرمند وقتی

گردشگری

رقابت گردشگری روستایی به میزبانی UNWTO



گردشگری روستایی به نوعی از گردشگری اطلاق می شود که در مناطق روستایی اتفاق می افتد و تمرکز آن مشاهده و مشارکت و تجربه هنر، آداب و رسوم، فرهنگ و سبک زندگی روستایی است. در همین راستا سازمان جهانی گردشگری قصد دارد در بین استان‌های فعال در حوزه گردشگری رقابتی با تأکید بر گردشگری روستایی و حمایت از مناطق و افراد محروم جامعه برگزار کند. این رقابت در چهار دسته موضوعی برگزار می شود: مردم - هیچ کس عقب نمی ماند؛ پروژه‌هایی که به ایجاد مشاغل و فرصت‌ها کمک می کنند، باعث تقویت زنان و جوانان می شوند، و برای گروه‌های آسیب‌پذیر در مناطق روستایی فرصت ایجاد می کنند. سیاره زمین - بازسازی و شتاب بخشی: پروژه‌های مربوط به ارتقا و حفاظت از منابع طبیعی، یعنی کاهش تأثیر گردشگری بر تولید زباله، هدررفت انرژی و آب در مناطق روستایی. شکوفایی - فرصت برای رشد: استان‌هایی که از طریق مدل‌های جدید تجاری، ابزارهایی که دسترسی به منابع مالی، بازارها و بازارهای برای گردشگری در مناطق روستایی ارتقا می دهند، راه حل‌های ابتکاری ارائه می دهند. پیشبرد فناوری در روستا - پیاده‌سازی فناوری‌های جدید: فناوری‌های نوین، استان‌هایی که فناوری‌های جدید را برای پیشرفت گردشگری و توسعه در مناطق روستایی اجرا می کنند. در این رقابت، شرکت کنندگان به چالش‌های زیر خواهند پرداخت: نزدیک شدن مقاصد سفر؛ دغدغه‌های جدید مانند سلامت و بهداشت؛ محدودیت‌های سفر و تمایل به گذراندن وقت در هوای آزاد؛ بلیط‌ها و پیشنهادهای لحظه آخری (که به خاطر تغییر وضعیت محدودیت‌ها تعدادشان افزایش پیدا کرده است)؛ جوان تر شدن مسافرها و گردشگرها؛ مسئولیت پذیری بیشتر حین سفر. علاوه بر این، همه گیری ویروس کرونا سبب افزایش علاقه گردشگران به کسب تجربیات جدید مبتنی بر مناطق طبیعی و روستایی به طور کلی در هوای آزاد و دور از اماکن شلوغ و مراکز شهری مترکم شده است و در روزهای که گردشگری شهری و فرهنگی بار کود مواجه است و شاهد خلوتی سایت‌های گردشگری، موزه‌ها و جاذبه‌های فرهنگی هستیم؛ این افزایش تقاضا می تواند فرصت بسیار خوبی برای احیای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی مناطق و جوامع روستایی از طریق گردشگری باشد.

پرده نقره‌ای

درگذشت یک بازیگر قدیمی بر اثر کرونا

هوشنگ منصور خاکی بازیگر قدیمی سینما در ۷۷ سالگی بر اثر ابتلا به کرونا در گذشت. فرزندان بازیگر در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: «حدود ۹ ماه بود که پدرم دچار عارضه مغزی شده بود. اما این اواخر به کرونا مبتلا شد و متأسفانه ایشان را ساعت سه، صبح روز ۳۰ فروردین ماه بخاطر کرونا در بیمارستان از دست دادیم». او افزود، مراسم تدفین این هنرمند صبح روز ۳۱ فروردین در قطعه هنرمندان برگزار خواهد شد و پیکر مرحوم هوشنگ منصور خاکی در جوار مزار شاهرخ سیاحی در اهلبی به خاک سپرده خواهد شد. منصور خاکی متولد ۱۳۲۲ در کرج که بیشتر بخاطر بازی در فیلم‌های ساموئل خاچیکیان شناخته می شد، از سال‌های پیش از انقلاب در سینما فعال بود و در فیلم‌های سینمایی مختلفی بازی کرده بود که از آن جمله به کوسه جنوب، زخمه، شب شکن، افعی، دل و دشنه، سکونت کوهستان، فرار از جهنم، طوفان شن، خفاش، دل‌باخته، مریم مقدس و لوکوموتور می توان اشاره کرد. او که از سال ۱۳۵۰ به صورت حرفه‌ای وارد سینما شده بود تقریباً بیست و یک سال به یک‌دنده بود که مثل بسیاری از پیشگامان بازیگری خانه نشین بود و در سینما نقش آفرینی خاصی نداشت.

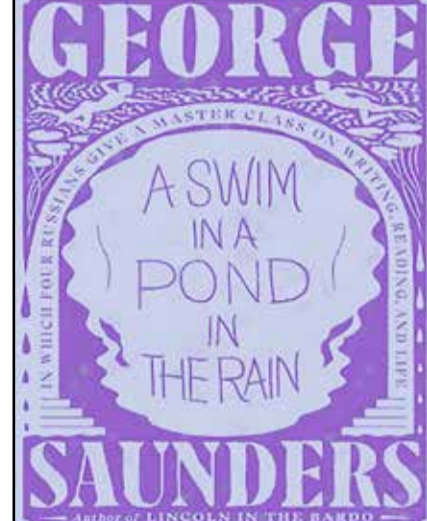
محیط اطراف خود به سرعت واکنش نشان می دهد، نظر شما درباره این فضا چیست؟

واکنش‌های این فضا مثبت است اما این فضا برای مردمی که در حال حاضر از آن استفاده می کنند، کهنه است. شنادر استخری زیر باران، آموزنده است زیرا تلاش می کند تا به مخاطب بفهماند که همدردی در بخش‌های عمیق ایجاد می شود. یک اثر را باید چندین بار خواند و اصلاح کرد تا بتوان با آن ابراز همدردی بیشتری کرد. مخاطبان درباره آثار چخوف با خود می گویند، «چه اتفاقی خواهد افتاد؟» یا «من باید چه چیزهایی بدانم»، تمامی این موارد در فرصتی ایجاد می کنند که یک فرصت جدید است. من طرفدار و عضو شبکه‌های اجتماعی نیستم زیرا که در حال کشتن ماهستند.

■ اکنون در حال مطالعه چه کتابی هستید؟
«دن کیسوت». این رمان به من آموخت که هر اصل اخلاقی که برای تلاش آن تلاش می کنیم در حال نابودی است. کتاب دیگر «سرود کربسمس» است که سالانه این اثر مطالعه می کنم.

■ کتاب‌های مدنظر شما برای مطالعه در فرصت بعدی چیست؟ یعنی تصمیم دارید که در آینده چه کتابی را بخوانید؟
می خواهم آثار تولستوی را بخوانم. من اکنون ۶۲ سال دارم اما به این نتیجه رسیده‌ام که بر نامه‌های انجام نشده از زمان جوانی دارم. من بیه دنبال نگارش کتاب «جنگ و صلح» جدید هستم که چندین سال طول می کشد.

■ آیا از کتابی جدید سخن می گوید؟
بله، پیش از خواندن این کتاب چنین ایده‌ای در ذهن داشتم.



آزمایشگاه هستند که به مخاطبان در شناخت عقاید و عادات کمک می کنند. افزون بر این موارد با نویسنده کتاب هم در ارتباط خواهید بود. کار با این کتاب‌ها به من فهماند، وقتی داستانی می خوانید و آن را تجزیه و تحلیل می کنید، به طور قطع با آن ارتباط برقرار می کنید حتی اگر نویسنده دشمن شما باشد. شاید همیشه اینطور نباشد. زمانی که این ارتباط برقرار نشود، شما در دنیای فعلی حضور خواهید داشت.

■ شما معتقدید که روایت خوب و واقعی به باز خوانی و آرام ویرایش کردن وابسته است. با تمام این تفاسیر، جامعه مجازی رفتاری متفاوت دارد و به

شبکه‌های اجتماعی در حال کشتن ما هستند

کردم، با مرگ من تمامی این اطلاعات نابود خواهد شد لذا تصمیم به چاپ کتاب گرفتم. وقتی تصمیم به این کار گرفتم، تصویری که در ذهنم بود که تنها کار من تایپ کردن نکات آموزشی است اما وقتی در مراحل انجام کار قرار گرفتم، کار را سخت تر یافتم.

■ شما در کتاب «شنا در استخری زیر باران» به آثار چهار نویسنده یعنی «چخوف»، «تورگنیف»، «تولستوی»، و «گوگل» توجه کرده‌اید. کدام ویژگی از این نویسندگان برای شما جذاب است که در سال‌های فعالیت‌تان مورد توجه شما قرار گرفته‌اند؟
من تلاش کردم تا چنین کلاسی نیز در ارتباط با نویسندگان آمریکایی برگزار کنم، نکته مهم این است که نتایج حاصله خوب نبود. من ارتباط خوبی با این نویسندگان روس دارم. سادگی و فلسفه اخلاقی این نویسندگان شبیه به یکدیگر است. آیا او زنده می ماند؟ آیا این فرد عملکرد درستی داشته است؟ این موارد با ذهن من سازگار است.

■ کتاب جدید شما فراتر از یک کتاب آموزشی است. این کتاب آموزه‌هایی درباره زندگی دارد. همچنین چگونگی انسانی بهتر و مهربان تر شدن را به مخاطبان آموزش می دهد.

داستان‌ها به ما آموزش می دهند تا به رفتار و عملکرد خود فکر کنیم. من بودایی هستم و باور دارم که می توان جهان را با ذهن خود ساخت. داستان‌ها شبیه به یک

نویسنده «شنادر استخری زیر باران»:
«جرج ساندرز» نویسنده آمریکایی برای کتاب «لینکلن در باردو» موفق به کسب جایزه ۵۰ هزار پوندی بوکر شد. به گزارش خبرنگار ایلنا به نقل از گاردین، او دومین نویسنده آمریکایی بود که به این افتخار دست پیدا کرد. کتاب روایتی از داستان غم و اندوه آبراهام لینکلن رئیس جمهور پیشین آمریکا پس از مرگ پسر نوجوانش است. این کتاب نخستین رمان بلند ساندرز است که پیش از این بیشتر برای داستان‌های کوتاه شناخته می شد و داستان آن یک شب در گورستان روی می دهد. این نویسنده در جدیدترین کتاب خود یعنی «شنا در استخری زیر باران» از ۲۰ سال گذشته در زمینه نویسندگی خلاقی در داستان کوتاه روسی سخن می گوید و این داستان‌ها را آموزنده می داند.

■ شما سابقه تدریس در حوزه نگارش را دارید و تعالیم آموزشی خود را در قالب یک کتاب منتشر کردید. هدف و انگیزه شما از انتشار این کتاب چه بود؟
تور کتاب لینکلن در باردو زمانیر بود و این موضوع سبب شد تا زمان طولانی را در سفر بگذرانم. هنگامی که تدریس را بار دیگر از سر گرفتم با خود اندیشیدم از سابقه طولانی در زمینه تحقیق در حوزه کتاب و ادبیات برخوردار هستم، این سابقه نزدیک به ۲۰ سال می شود. تصور